

مشری کافه خیابان وسط

کافه استثنائی



مهرداد حجتی

● «یک تلویزیون بزرگ اندازه زمین فوتبال گذاشته‌اند روی دیوار کافه، باید ببینی؛ از اینجا تا آنجا، همه هم میخ نشستند‌اند تا ببینند کدام تیم گل می‌زند بپرند هوا. اصلا یک وضعی، انگار نه انگار کافه است. خیر سرمان آمده‌ایم یک گوشه بنشینیم دو کلام با رفقا اختلاط کنیم ببینیم تو دنیا چه خبر است. آن‌وقت می‌بینی همه چیز کن فیکون شده. اصلا صدا به صدا نمی‌رسد، چه رسد به اینکه بخواهی آرام هم حرف بزنی. می‌شنوی؟». مشتری میز کناری با موبایل به کسی آن‌سوی خط گزارش می‌داد. تب فوتبال کافه را از وضعیت عادی خارج کرده است. کافه‌چی می‌گفت به خواست مشتری‌ها تلویزیون نصب کرده است، می‌گوید: «این‌طوری مشتری‌های فوتبالی را از دست نمی‌دهم. این هم فرصتی است که باید از آن استفاده کرد». به‌همین‌خاطر است که چند صندلی هم به میزها اضافه کرده است تا تعداد بیشتری دور میزها بنشینند. «دست‌راستی» می‌گوید:

«هرکسی به فکر منفعت خودش است. کسی به رفاه دیگری فکر نمی‌کند. انگار مردم مهم نیستند. هرکس دستش رسیده هر کار که خواسته کرده تا منفعت بیشتری ببرد؛ مثل همین «فیش‌های حقوق». حالا حسابش از دست همه در رفته. هیچ‌کس نمی‌داند در این سال‌ها داشته چه بر سرشان می‌آمده. عجب وضعی شده؟». «دست‌چی» که سر و صدای زیاد حواسش را پرت کرده، با صدای بلند می‌گوید:

«وضعیت استثنا».

دست‌راستی که فقط یک وجب با او فاصله دارد، از آن سر میز با فریاد می‌گوید:

«چه گفتی؟»

دست‌چی بلندتر می‌گوید: «اَبُرَمال. وضعیت را می‌گویم». دست‌راستی با همان فریاد: «از استثنا هم آن‌طرف‌تر. ماهی ۳۰۰ میلیون مگر می‌شود؟ یعنی اینها این‌قدر «استثنائی» هستند که باید برای «مکثرت استثنائی‌شان» حقوق و پادش «استثنائی» داد؟».

دست‌چی با همان صدای بلند: «در «وضعیت استثنا» از این معجزه‌ها رخ می‌دهد. دست‌راستی با همان فریاد: «واقعاً». دست‌چی با صدای بلند: «مَت هم می‌گذارند؛ لاید». دست‌راستی با فریاد: «مَت برای تخصص؟». دست‌چی با صدای بلند: «برای «استثنا» بودن».

دست‌راستی با فریاد: «چه استثنائی؟». دست‌چی با صدای بلند: «چه استثنائی؟». اینکه نظیرشان پیدا نمی‌شود که اگر بگذارند بپرند، کارها می‌خوابد و چرخ مملکت از کار می‌افتد. دست‌راستی با فریاد: «از کجا بدانیم؟ شاید هم خوابید؟». دست‌چی با صدای بلند: «این یعنی «وضعیت استثنا». اینکه که امور مملکت به چند نفر وابسته باشد و اگر آنها نباشند، همه کارها لنگ می‌ماند. کلا «وضعیت استثنا» رانت ایجاد می‌کند». دست‌راستی با فریاد: «بُر بَک نیست، اینکه بتوانی بین ۸۰ میلیون آدم «استثنا» باشی! عجب «وضعیتی» است!». دست‌چی با صدای بلند: «به‌همین‌دلیل به این «وضعیت» می‌گویند «استثنا»، چون «عادی» نیست. در شرایط عادی وضع روال عادی دارد. هر چیزی سر جای خودش است. هر روز با کشف یک وضعیت «غیرعادی» شگفت‌زده نمی‌شویم». شگفتی «از ویژگی‌های «وضعیت استثنا» است. اینکه کودک ۱۰ساله‌ای با تیر و تخته بتواند در زیر زمین خانه‌اش «انرژی هسته‌ای» تولید کند؛ و یا فردی بدون داشتن وسایل اکتشاف، با چشم غیرمسلح بتواند ذخایر و معادن نهفته در زیرزمین را ببیند و حتی نوع مواد کنای‌اش را تشخیص دهد! «استثنا» است».

دست‌راستی با فریاد: «داشتیم از امروز حرف می‌زدیم، نه دیروز. موضوع آن کودک هسته‌ای و آن مرد معدن‌یاب مال گذشته است. گذشته هم تمام شد و رفت. الان داریم از «فیش‌های نجومی» در دوره دولت «اعتدال و امید» حرف می‌زنیم. نه «دولت مهرورزی». دست‌چی با صدای بلند: «نشد. آن‌موقع و این‌موقع ندارد. «فساد» فساد است. آن دولت و این‌دولت هم ندارد. چه «مهرورزی» چه «اعتدال و امید». نباید کتمان کرد. همین کتمان پدر همه را درآورده. این در ادامه همان گذشته است. انکار نباید کرد».

دست‌راستی با فریاد: «ما چه را کتمان کرده‌ایم؟». دست‌چی با صدای بلند: «گذشته را». دست‌راستی با فریاد: «کتمان نکرده‌ایم». دست‌چی با صدای بلند: «همین الان گذشته را انکار کردی!». دست‌راستی با فریاد: «گفتم گذشته تمام شده رفته. دیگر چیزی نگفتم». دست‌چی با صدای بلند: «پس انکار نمی‌کنی؟». دست‌راستی با فریاد: «چه را؟». دست‌چی با صدای بلند: «اینکه رئیس دولت مهرورزی به «استثنا» علاقه داشت؟». دست‌راستی با فریاد: «بر منکرش لعنت». کارسون چند قیفچه‌ای هست که بالای سرشان ایستاده و می‌خواهد سفارش بگیرد. از فرط جنجال و هیاهو صدایش به آن دو نمی‌رسد. به خودش می‌گوید: «توی عجب «وضعیتی» گیر کرده‌ام!».

فراک آرتا: روز گذشته خبری در فضاهای مجازی و خروجی برخی رسانه‌ها منعکس شد مبنی‌بر اینکه عباس کیارستمی، فیلم‌ساز نامدار ایرانی، پس از چهارماه سپری‌کردن مراحل درمان در ایران، سرانجام تهران را به مقصد پاریس ترک کرد. این کارگردان سرشناس سینمای ایران که از اسفند سال ۹۴ تا اوایل اردیبهشت ۹۵ به‌دلیل انجام چند عمل جراحی در ناحیه روده در بیمارستان بستری شده و در ماه‌های اخیر هم چندین‌بار به بیمارستان مراجعه کرده بود، سرانجام بنا بر تصمیم خودش برای تکمیل مراحل درمان به پاریس رفت. همین خبر کوتاه باعث شد که درباره چرایی چنین تصمیمی در این مقطع زمانی و رفتن بی‌سروصدی این‌ فیلم‌ساز از ایران با بهمن کیارستمی گفت‌وگو کنیم. او در پاسخ به

هنر

عباس کیارستمی به پاریس منتقل شد

ترک صندلی



به پند اول دیر بود اما برای عمل

رفتش را از زبان خودش بشنوید.» بهمن، بخشی

«شرق» گفت: «نیمه فروردین که سلامت ابوی در شرایط بحرانی بود، می‌گفتند چرا درمان را پیش از تعطیلات نوروز آغاز کردید. حالا تقریباً ۱۲ هفته بعد که دوباره وضعیت او بحرانی شده، می‌گویند چرا درمان را خارج از ایران ادامه نمی‌دهید. برای عمل به پند اول دیر بود اما برای عمل رفتش را از زبان خودش بشنوید.» بهمن، بخشی

نگاه مجید بزرگ‌به سینمای کارگردان «طعم گیلas»

فیلم‌سازان مستقل دنیا از کیارستمی متأثر هستند



این لبه تیز تیغ به سلامت راه برند و فیلم‌های‌شان، هم با اقبال عمومی مواجه شـود و هم ستاره داشته باشند و هم داستان برای مخاطبش تعریف کند و هم منتقدان و مخاطبان خاص را به خود جذب کند و دوستش داشته باشند؛ اما کیارستمی ویژه‌بودنش به این دلیل است که هیچ‌وقت از حدودی که برای خودش تعریف کرده تغییر مسیر نمی‌دهد.

آ این به نظر شما خوب است یا بد؟

نمی‌دانم خوب است یا بد! اما قطعاً به‌عنوان کسی که چند فیلم بیشتر در سینما ساخته‌ام و هنوز در ابتدای مسیر، این تصمیم آقای کیارستمی را ستایش می‌کنم. در زمانه‌ای که فشارهایی بر سینما به‌عنوان هنر و صنعت وارد است و پول بخش مهم آن است، شاخصه‌ای مانند مصمم‌بودن در کیارستمی آیا به نظر‌تان ستایش‌آمیز نیست؟ کیارستمی در ۵۰ سال فعالیت خود در سینما بر تصمیم قطعی خود برای پیداکردن افق‌های جدید پایدار است و چه در اندیشه‌های بیانی سینما و چه در ابعاد فلسفی و نگاه زندگی در این مسیر گام برمی‌دارد و از راهی که برای خودش ترسیم و محدود کرده خارج نمی‌شود.

آ دره‌ام آثار عباس کیارستمی این تفاوت‌ها وجود دارد؟

در تصویرسازی کتاب، ساخت تیزتر از، عکاسی، کتاب‌هایی که می‌نویسند، حتی در شعرهایش این نگاه خاص جریان دارد. عباس کیارستمی نه دنباله‌رو کسی

فقدان «پورتراب»، فقدان ستون معنوی موسیقی

بودند. یکی از نقش‌های اصلی استاد، نقش پدانه‌شان برای اهالی موسیقی بود. سن‌شان بالاتر از دیگران بود و سابقه کارشان در حوزه موسیقی و تداوم در امر آموزش، آموزشی که همواره با دغدغه سلامت فرهنگ موسیقی همراه بود و با اخلاق درست ادغام می‌شد تا درک موسیقی سالم هم منتقل شود، بیشتر بود. با اینکه در اوایل کار سابقه آهنگ‌سازی هم داشتند، ولی به‌عنوان معلم و تئوریسن موسیقی شناخته شده هستند. یکی از خصوصیات استاد پورتراب، جنبه فراشعاری‌بودنشان است، یعنی همان‌قدر که با موسیقی‌دانان کلاسیک غربی در ارتباط بودند با موسیقی‌دانان ایرانی هم ارتباط‌شان را حفظ می‌کردند و به‌اصطلاح در یک گره با جناح محدود نشده و در هردو زمینه صاحب نظر بودند. اما بخش

کسی پدر را در روزهای مداوا همراهی می‌کند و او گفت: «برادرم، دوستانش و من کنار او خواهیم بود». عباس کیارستمی نخستین فیلم‌ساز ایرانی است که موفقیت‌های بین‌المللی فیلم‌هایش، سینمای متفاوت ایران را در جهان نمایندگی و معرفی و نگاه‌ها را به سینمای ایران معطوف کرد. او با ساخت فیلم تحسین‌برانگیز «طعم گیلas» توانست برای نخستین‌بار جایزه نخل طلای بهترین فیلم جشنواره بین‌المللی فیلم «کن» را برای سینمای ایران به ارمغان بیاورد. او نه‌تنها در سینما هنرمندی شناخته‌شده است، بلکه در هنرهایی همچون تدوینگری، عکاسی، نقاشی، ویدئوآرت، پرفورمنس و موسیقی، ادبیات و شعر هم آثار مطرحی ارائه کرده که برگرفته از نگاه متفاوت و منحصربه‌فرد او به دنیای پیرامونش است.

در ادامه از بهمن کیارستمی پرسیدیم که چه

نگاه مجید بزرگ‌به سینمای کارگردان «طعم گیلas»

فیلم‌سازان مستقل دنیا از کیارستمی متأثر هستند

آ حتی اگر فیلم‌هایش مخاطبان محدودی داشته باشد؟

این به تصمیم فیلم‌ساز برمی‌گردد که در ساخت فیلم‌هایش چه نوع مخاطبی را هدف قرار دهد؛ برخی از فیلم‌سازان از ارکان‌شدن فیلم‌هایشان بالاخره جایی دستشان می‌لرزد و فیلم‌هایی را به کارنامه خود اضافه می‌کنند که هیچ قراری با آن نداشته‌اند، اینجاست که بحث مصمم‌بودن یک فیلم‌ساز بیشتر رنگ واقعی به خود می‌گیرد و به همین دلیل آقای کیارستمی برایم ویژه‌تر هستند و نکته مهم‌تر اینکـه اصلاً چه زمانی فرصت دیده‌شدن به آثار ایشان داده شده؛ وقتی ملک ارکان کف فروش فیلم در سینماست بعد از دو هفته فیلم را از ارکان پایین می‌آورند قطعاً سینمای کیارستمی از همین جریان است که مخاطب ندارد. اما اینجا یک تفاوت وجود دارد.

آ اینکه بعد از سال‌ها فیلم‌های او بارها و بارها ارکان و در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند؟

شما کدام‌یک از فیلم‌های آن دهه را سراغ دارید که در دانشگاه‌ها و سینما تک‌ها نمایش داده شود و درباره آن بحث و بررسی صورت بگیرد؟ این نوع فیلم‌ها به‌عنوان گسترده اما پراکنده در طول زمان دارند. اتفاقاً به نظر من مخاطب این نوع فیلم‌ها از فیلم‌های پرفروش چند سال گذشته هم بیشتر است. ده سال آینده فیلم‌های پرفروش امسال و سال گذشته را نگاه نمی‌کنند اما درباره فیلم‌های آقای کیارستمی با ابراهیم گلستان بعد از گذشت ۵۰ سال بحث می‌شود.

آ اصغر فرهادی در صحبت‌های اخیر خود گفت من با دیدن فیلم‌های سینماگران کشورم همچون عباس کیارستمی، داریوش مهرجویی، رخشان بنی‌اعتماد و… عاشق سینما شدم. از تأثیری که عباس کیارستمی باشدی‌گویند.

همه ما فیلم‌سازان با دیدن فیلم‌های زیاد عاشق سینما می‌شویم اما با یک‌سری از فیلم‌سازان احساس نزدیکی می‌کنیم و آنها فیلم‌سازان محبوب ما می‌شوند. قطعاً آقای مهرجویی و عباس کیارستمی بر نسل‌های بعد خود تأثیر گذاشتند و همچنان تأثیری می‌گذارند؛ اما آنچه مهم است اینکـه امیدوارم فیلم‌های نسل ما هم به این درجه برسد که از آن در آینده یاد شود، اما هر آنچه هست همه ما وام‌دار عباس کیارستمی هستیم.

تئوری‌های مختلف موسیقی محشور بودند. تئوری‌هایی که بیشتر سیستم هنرستانی است و از سیستم سینه به سینه جدا می‌شود. سیستم هنرستان موسیقی که به وسیله علی‌نقی وزیری بنیان‌گذاری شده، در زمانی که موسیقی دانانی مثل درویش‌خان، شهناز، و… همه از دیگر در موسیقی بود. ولی وزیری سیستم تئوری و نت را بنیان گذاشت و استاد پورتراب هم در این فضا پرورش یافت. پس از آن در طول زمان با تئوری‌های دیگر هم به چالش برخاستند و کارهایی با ریتم و فواصل موسیقی انجام دادند و نظریه‌هایی هم در این زمینه داشتند.

فقدان استاد پورتراب، فقدان یک ستون معنوی موسیقی در ایران است، کسی که واقعا با عزت نفس و سلامت قری و هنری یک عمر کار کردند و تکیه‌گاهی برای نسل‌های مختلف بودند و جایشان برای همیشه خالی خواهد بود. روحشان شد.

در ادامه از بهمن کیارستمی پرسیدیم که چه

نگاه مجید بزرگ‌به سینمای کارگردان «طعم گیلas»

یک ایرانی قائم‌مقام دبیر کل سازمان جهانی تبلیغات شد

تبلیغات تک برای اولین‌بار پس از انقلاب اسلامی و با حمایت دفتر سازمان جهانی تبلیغات در جمهوری اسلامی ایران انجام شد. این هیات را نمایندگان از هیات امنـا و هیات عالی اجرائی و کمیسر عالی سازمان جهانی تبلیغات در ایران همراهی می‌کردند. همچنین ویژه‌نامه سازمان جهانی تبلیغات که برای معرفی ظرفیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در ایران با همکاری روزنامه «شرق» و به زبان انگلیسی منتشر شد، به فضای عمومی این دوره از جشنواره رنگ‌وبویی ایرانی بخشیده بود و اقبال عمومی فعالان بین‌المللی حاضر در جشنواره برای برقراری روابط علمی و تجاری با ایران در بخش‌های مختلف جشنواره دیده می‌شد.

استانداردهای مارکتینگ و تبلیغات بر مبنای فرهنگ شمال خاورمیانه شناخته می‌شد و در مجامع بین‌المللی حضور فعال داشت. جشنواره مارکتینگ و تبلیغات و خلاقیت کن فرانسه که هر سال در نیمه دوم ماه ژوئن برگزار می‌شود، از سال ۱۹۵۴ به‌عنوان بزرگ‌ترین فستیوال تبلیغات تجاری جهان شناخته شده که در سال جاری با حضور بیش از ۱۵ هزار متخصص از سراسر جهان، میزبانی نمایندگان بزرگ‌ترین شرکت‌های بین‌المللی را بر عهده داشت. حضور هیات ایرانی در جشنواره



شمال خاورمیانه و آسیای میانه - مرکزی با مأموریت توسعه انتخاب شد. براساس اعلام سازمان جهانی تبلیغات، منطقه تحت‌نظارت این بانوی ایرانی شامل کشورهای آذربایجان، ارمنستان، ازبکستان، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ترکیه، سوریه، عراق، قبرس، قرقیزستان، قزاقستان و

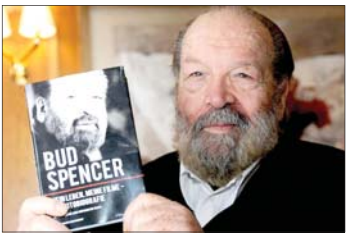
گرجستان خواهد بود. شفیع‌شهریابکی پیش از این با عنوان نماینده IAA در ایران، مدیرعامل

نمایندگی سازمان جهانی تبلیغات در جمهوری اسلامی ایران و مسئول اولین کارگروه بومی‌سازی

زیر آسمان فیروزهای

درگذشت باداسپنسر

خداحافظ «پاکنده»



● **شرق:** باد اسپنسر، بازیگر و فیلم‌ساز ایتالیایی که در ایران به «پاکنده» شهرت داشت، در ۸۶سالگی در رم درگذشت. اسپنسر به‌ویژه برای بازی در مجموعه‌ای از فیلم‌های کمدی و وسترن اسپاگتی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در کنار ترنس هیل شهرت داشت. او با نام واقعی کارلو پدروسولی در سال ۱۹۲۹ در ناپل متولد شد. در جوانی شنناگری حرفه‌ای و رکورددار شـنای صدمتر آزاد در ایتالیا بود. باد اسپنسر بعد از به‌شهرت‌رسیدن به‌عنوان بازیگر، خلبان هواپیماهای جت و هلیکوپتر نیز شد. این بازیگر با هیکل درشت اولین‌بار در سال ۱۹۵۱ در نقش یک نگهبان در فیلم حماسی «کجا می‌روی» که از تولیدات هالیوود در ایتالیا بود و داستانش در رم باستان می‌گذشت، ظاهر شد. بعداً او گفت که هیچ علاقه‌ای به بازیگرشدن نداشت، اما وقتی یک شرکت فیلم‌سازی از او خواست که نامش را تغییر دهد، نام کوچک مستعار خود را از یک نوشیدنی تجاری و اسپنسر را از نام اسپنسر تریسی، بازیگر هالیوودی که خیلی به او علاقه داشت، گرفت. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با ترنس هیل در بیش از ۲۰ فیلم بازی کرد که اولین آنها «خدا می‌بخشد… من نمی‌بخشم!» نام داشت و ازجمله آنها می‌توان به «تکخال در آستین» (۱۹۶۸) و «به من بگو ترینیتی» (۱۹۷۰) اشاره کرد. این بازیگر همچنین تلاشی ناموفق برای ورود به سیاست داشت. سیلویو برلوسکونی، نخست‌وزیر سابق ایتالیا، او را تشویق کرد که در لاتزیو عضو شورای منطقه‌ای حزب او شود، اما اسپنسر انتخاب نشد. به گفته پسر اسپنسر، او با گفتن «از شما ممنونم» از دنیا رفت. درگذشت این بازیگر، با تأثر عمیق و ایجاد موجی وسیع در شبکه‌های اجتماعی همراه شده است. با درگذشت وی، متتو رنزی، نخست‌وزیر ایتالیا، توییت کرد: باد اسپنسر خیلی دوست داشتم». راسل کرو، بازیگر هالیوودی، هم نوشت: روح شاد باد اسپنسر… قلمب با خانواده‌ات است. اوسوالدودی سانتیس، رئیس کمپانی فاکس قرن بیستم ایتالیا، نیز نوشت: او بازیگری بود که سینمای ایتالیا باید سپاسگزارش باشد زیرا او فیلم‌های ایتالیایی را در سراسر جهان شناساند. این بازیگر محبوب با دختر یک تهیه‌کننده ایتالیایی ازدواج کرده بود و سه فرزند از وی به‌جا مانده است. درگذشت پدرسولی، «پاکنده»، کاربران شبکه‌های اجتماعی را به تکاپو انداخت تا پست‌های خود را با هشتک «پاکنده» به اشتراک بگذارند.

«هنر برای آتیسم» در نیاوران

● **شرق:** نخستین نمایشگاه نقاشی «هنر برای آتیسم» عصر پنجشنبه، دهم تیر در گالری شماره یک فرهنگ‌سرای نیاوران افتتاح می‌شود. به گزارش روابطعمومی



بنیاد آفرینش‌های نیاوران، نمایشگاه «هنر برای آتیسم» با هدف تأمین بخشی از هزینه‌های ساخت مدارس تخصصی برای کودکان مبتلا به اتیسم با ارائه حدود ۶۰ اثر نقاشی از آثار هنرمندان مطرح کشور برگزار می‌شود. این نمایشگاه دهم تیر ساعت ۱۹ گشایش خواهد یافت و تا ۱۵ تیر در گالری شماره یک فرهنگ‌سرای نیاوران، از ساعت ۱۰ تا ۲۱ و روزهای تعطیل از ساعت ۱۴ تا ۲۱ برای بازدید عموم دایر است.

روزهای پایانی کشتن کفتر چاهی

● **شرق:** «کشتن کفتر چاهی» تا پایان تیرماه روی صحنه می‌رود. این نمایش که از اردیبهشت در سالن تئاتر آفتاب روی صحنه رفت، ۲۱ تیر به اجرای خود پایان می‌دهد. تاریخ اعلام‌شده قطعی است و تمدید نخواهد شد.نمایش «کشتن کفتر چاهی» به کارگردانی رضا حداد و نویسندگی محمد چمرش،م با بازی سعیده آجرلی، درسا ابوالفضلـی، مانده اسداللهی، سونیا اسماعیلی، پردیس احمـدیـه، آذین نظری، نقیسه زارع، ستاره ملکی و یاسمن میرزایی، هر شب ساعت ۲۱:۰۰، در سالن تازه‌تأسیس آفتاب واقع در چهارراه جهان کودک اجرا می‌شود.تا امروز قیاد شیوا، محمد رحمانیان، احمد مسجدجامعی، لوریس چکانواریان، جواد طوسی، بهرام عطیمی، صادق تیریزی، الناز شاکردوست، مهرداد ختایی، علی هاشمی‌شهرکی، شیوا ازسوطی، علیرضا گلدوزیان، کمال طباطبایی، مهسا مجبعلی، حمید پورآذری، آروند دشت‌آرای، مهدی کرم‌پور، حمیدرضا صدر، احمد طالبی‌نژاد، بهنوش طباطبایی، حسین غفاری، مهران زمانی، همایون نصیری، عباس پاک‌داد، غلام‌مقتضی، پژمان رحیمی‌زاده، سیامک انصاری، آتلیا پسپانی، عاطفه رضوی، امیررضا کوهستانی، حبیب رضایی، محمد عاقبتی، حسین خطیبی، کوروش گلناری، کلاب آدینه، مانده طهماسبی، احمد پوری، اکبر عالمی، یارتا یپاران و… به تماشای این نمایش نشسته‌اند.